گفت‌وگو با پیروز حناچی، یک سال پس از خداحافظی‌اش از شهرداری تهران

نگران تهرانم

سیناحیم‌پور

درباره شـهرها می‌توان از جنبه‌های مختلف صحبت کرد و نوشت؛ اینکه مدیریت یک شهر چه مختصاتی دارد، با کارگزار اداره شهر با چه ویژگی‌هایی شهر بهتری را برای شهروندان می‌سازد. شاید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اداره شهر داشـتن «آرزو» برای آن باشـد. در هر تغییر و تحول و بررسـی برنامه‌هاست که مشخص می‌شود شهردار، شـورای شهر و سایر مدیران شهری چه آرزویی برای اداره شـهر دارند. پیروز حناچی ۳۳ ماه با آرزو و شـعار «تهران شهری برای همه»، کلیددار اداره شـهر تهران بود. شاید بعد از سال‌ها او تنها شهرداری بود که تحصیلاتش با صندلی‌ای که بر آن تکیه داده بود، کاملا مطابقت داشت. درست یک سال بعد از خداحافظی‌اش از شـهرداری تهران با او به گفت‌وگو نشسـتیم تا نظرش را درباره راه رفته و مسـیر پیش‌روی تهران بدانیم و البته از آرزوهایش برای این شهر هم گفت. او در این مصاحبه از نگرانی‌هایش برای تهران صحبت کرد و بیش از آنکه این مصاحبه حول محور مسـائل سیاسـی بچرخد، اجتماعی بود. حناچی در این گفت‌وگو سعی می‌کند بگوید چگونه باید هم برای شهر آرزو داشت و هم از مسیر قانون و سندهای بالادستی خارج نشد. این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

◆ یک سال از شهردارنبودن شما گذشت. این یک سال چطور بود؟

الحمدلله. برای مـن خوب بـود. اسـتراحت کـردم و شـروع بـه جبران عقب‌افتادگی‌های علمی و برنامه‌های آموزشـی کردم؛ همچنین فرصتی بود برای اینکه عملکرد خودمان را ارزیابی کنیم.

◆ در ایـن ارزیابی که انجـام دادید، نکاتی بودند که به آن برسـید و بگویید اگر ما بودیم، شاید این کار را نمی‌کردیم یا برعکس؟

ما زمان کمی در سیسـتم مدیریت شهری بودیم. ۳۳ ماه. مطمئنا با زمان کمی که در اختیار ما بود و طبیعی بود که با انتخابات ممکن است سرنوشت شهر تغییر کند، ما باید سـرعت بیشتری به کارهای‌مان می‌دادیم و از زمان، بهترین استفاده را می‌کردیم. من نیمه سال ۹۷ به‌عنوان شهردار تهران مشغول شدم. اگر از نیمه سال ۹۶ وقت داشـتیم طبیعتا جلوتر بودیم. به این جهت که کار و مسیری که انتخاب کرده بودیم، نیاز به زمان بیشـتری برای تحقق موارد مثبت داشـت و اگر حلاوت مثبت‌بـودن این نـگاه زیر زبان مردم در مقیاس محلات می‌نشسـت، آن وقت این حرکت دیگر قابل متوقف‌شـدن یا قابل برگشت نبود و هرکسی که بعد ما می‌آمد، به صورت عقلانی و بنا به خواست مردم این مسیر را تعقیب می‌کرد.

◆ در این مدتی که گذشت موارد زیادی بود که می‌شد درباره آن صحبت کنید. یکی از مهم‌ترین آنها این بود که شـهرداران تهران هرکدام با شعاری کارشان را شروع کردند که بخشی از آرزویشـان بود. «تهران شهری برای همه» آرزوی شما بود که می‌خواستید به سرانج آن بروید؟

ببینید، مدیر شـهر باید برای شـهر آرزو داشته باشـد. ما هم این شعار (تهران شهری برای همه) را بی‌دلیل انتخاب نکرده بودیم. این شعار نقطه مقابل تهران بدون برای عده‌ای خاص بود. ما در تهران مدیریتی داشتیم که می‌گفتند ما شهر را با ۲۵ سرمایه‌گذار اداره می‌کنیم و تهران شهری برای همه نقطه مقابل آن دیدگاه بود. در ادبیات شهری، آرزو برای زمینه شـهرها، می‌گویند بهترین شـهرها آن شـهرهایی هسـتند که همه مردم شهر بتوانند به یک نسـبت به شکل عادلانه از خدمات آن شهر استفاده کنند، اگر شما این چند موضوع را کنار بگذارید و انتقالاتی که قبل از آن در شـهرهای‌مان افتاده بود، آن وقت این شـعار معنا پیدا می‌کند. ما با همین نگاه هم به سـراغ برنامه تهران ۱۴۰۰ رفتیم با شـعارهایی مثل جان تو و جان شـهر، خدمت از تهران شهری برای همه بود. تهران شهری برای همه یعنی شـهری برای همه اقشـار، برای همه گروه‌های سنی و در قالب طرح راهبردی تهران در این شـهر زندگی می‌کنند. من به خاطر دارم در روزی که می‌خواستم از شورای شـهر رای بگیرم، به جمله معروف شیخ ابوالحسـن خرقانی اشاره کردم که گفته «هـر که در این سـرا درآید، نان شـهد و از ایمانش میرسـد». چه آن کس که به درگاه برای‌تعالی به عزت ازلیه تبدیل شـده بود، به این نکته و با این نگاه و با این نگاه در ادبیات، فرهنگ، دین و چیزی که اعتقاد داشتیم، این شعار تدوین شده بود. ضمن اینکه برای سـوق جوهای هم بود.

◆ شعارداشتن برای اداره شهر کافی است؟

این شعارهایی که ما می‌دهیم اگر در مرحله شعار باقی بماند، فایده ندارد. اینها چـشـم‌انداز و VISION ما را تعیین می‌کند و باید ماباری عملیاتی پیدا کنند. شعار تهران شـهری برای همه در حوزه‌های شهرسازی، توسعه فضای عمومی، توسعه خدمـات و تامین امکانات حتی در مقیاس محله‌ها را هـدف گرفت. در مقیاس شهر توسـعه فضای عمومی یعنی محله‌ای که مردم بتوانند پیاده بیایند، کار آن بهرمند شوند. ملاکا گوی که ما در قذرگاه امیرکبیر (بالاتر از همدان خیارمان) گردیم، تبدیل آن محوری که قرار بود تبدیل به مال‌های تجاری شـود، به یک حوزه قلمرو عمومی بود. این تتیجه تهران شهری برای همه است. حوزه کلانی که در میدان هفت‌تیر و میدان امام و امامزاده صالح تجریش و... گردیم، نتیجه تهران شـهری برای همه اسـت. توافقی که با داهآن برای محور قطار تهران-تبریز کردیم، مابازای تهران شـهری برای همه اسـت. این بزرگ‌ترین کمکی اسـت که حتی به جهت اقتصادی هم می‌تواند به این مناطق اعتبار دهد. مناطقی که فراموش شده هستند و از این جهت مورد توجه قرار می‌گیرند و اهلاک ارزش واقعی خودشـان را پیدا می‌کنند. این به اتفاق قرار دادن ما در حیطه شهر بیفتد، ولی مناطقی که کمتر به آنها امکانات رسـیده، در اولویت هستند. این با خروج یومیان از محلات GENTRIFICATION که نگاه مدموم به آن می‌شـود، کاملا متفاوت اسـت؛ این اقدام با حفظ رسیدگی به مناطق شـهری شهر اسـت. نه اینکه افراد بومی به جای دیگر منتقل شوند. اتفاقا در عین اینکه زندگی می‌کنند از مواهب زندگی شهری بهره‌مند می‌شوند و در ادامه بحث پروژه‌های توسـعه محلی است. در همین مدت کوتاه با حاکمیت این نگاه و حمایت شورای شهر ۲۰ بارک محلی احداث شد.

◆ ابعد توسعه محلات از کجا به برنامه‌های شما افتاد؟

از ابتدا این نگاه در برنامه‌های ما وجود داشـت. پروژه‌های توسعه محلی ایده‌ای نبود که در دوره ما شـکل گرفت. بحث این بود که ما می‌توانیم بخشـی از بودجه عمرانی را در مقیاس محلی با اسـتفاده از حوزه جمعـی در محله‌ها هزینه کنیم. به خاطر دارم که بعضی از اعضای شـورای شـهر روزهای اول با تردید نسبت به این موضوع نگاه می‌کردند؛ ولی وقتی رفتند و در بهره‌برداری چندتا از این پروژه‌ها حضور یافتند، نظرشـان تغییر کرد. این پروژه‌ها خیلی زود به نتیجه می‌رسـد. چون فضـای کوچک و محدود بود. اعتبار زیادی هم نمی‌خواسـت. تاثیر بسـیار زیادی داشـت و از طرفی مورد درخواست مردم بود؛ مثلا نقطه‌ای بود که حداخدیر بود و دائم تصـادف می‌کرد یا مثلا ناایمن بود و دائما تصادف می‌شـد. طبیعی اسـت که مردم در آنجا عکس‌العمل نسـبت از شهرداری می‌خواستند. اگر شهرداری ناحیه یک دو روز کار دیگری انجـام نمی‌داد یا مثلا نیـسـتند کجا آن را حرکت کنند. ما سـعی کردیم با استفاده از جزء جمعی و مطالعاتی که قبلا انجام داده بودیم (ما

«شهرنفروشی» یکی از دغدغه‌های شما بود. آیا در وضعیت فعلی نگران این مسئله نیستید؟

نگرانی برای شهر یک نگرانی دائمی و همیشگی است و بیشتر ما که کارشناسان این موضوع هسـتیم و دوره‌ای مسئولیت داشتیم، نسـبت به این مسئله نگرانیم. واقعیت این اسـت که در این حوزه من نگران تهرانم. نظارت بر این مسئله برعهده شورای شهر و دسـتگاه‌های نظارتی است.

از دستگاه‌های نظارتی پذیرفته نیست آن‌طورکه ما را نظارت می‌کردند، دیگران را نظارت نکنند. به خاطر دارم در یک سـال ما به ۹۰۰ نامه از یک دستگاه نظارتی جواب می‌دادیم. این خوب است، من نمی‌گویم بد است. نظارت به اندازه خودش و به‌صورت تخصصی خیلی هم خوب اسـت ولی نباید دوره‌ای و متناوب باشـد. نباید آنجاهایی که می‌دانیم حساسیت وجود دارد، رها کنیم. دروافع باید به نظارت ادامه دهیم. درمورد نگرانی‌ای که به آن اشـاره کردیـد، بالاخره ظرفیت‌هایی در شـهر وجود دارد که اگر به آن ظرفیت‌ها درسـت توجه نشـود و درست مدیریت نشـود، می‌تواند به بحران بینجامد. من در صحبت‌های قبلی خودم اشـاره کردم کـه از نظر من مهم‌ترین کار دسـتگاه‌های نظارتی بیرونی مثل سـازمان بازرسـی کل کشـور و دسـتگاه‌هایی که تخلفات یا مورد بررسـی قرار می‌دهند، کنترل بین درآمدها و هزینه‌های مصوب شهر است. اگر درآمدها کمتر از هزینه‌ها باشد، یعنی آرزوها و هزینه‌های جاری یک شـهر بیشـتر از آن ظرفیت درآمدی باشـد یا در آن ظرفیت درآمدی آن‌قدر که باید تلاش نشـود، یک فاصله به اسـم کسر بودجه به وجـود می‌آید. شـهرداری‌ها در دوره حاضر عادت کردند که کسـری بودجه را با تخلف تأمین کنند. کم‌هزینه‌ترین تخلفی که معمولا در کوتاه‌مدت خودش را نشان نمی‌دهـد و در میان‌مدت و بلندمدت خودش را نشـان می‌دهد، عدول از ضوابط شهرسازی اسـت و این یک نگرانی دائمی است. همان‌طورکه وقتی دولت کسری بودجـه می‌آورد، خلق پول می‌کند یا از بانک مرکزی قرض می‌کند. شـهرداری‌ها وقتی کسـری بودجه می‌آورند ضوابط لازم شهرسـازی را می‌فروشـند و با دادن پروانه‌ها و مجوزهایی کـه در حالت عادی طرح جامع و تفصیلی اجازه نمی‌دهد این کار را انجام دهند، این کسـری بودجه را جبران می‌کنند که این یک نگرانی است و همه باید نگران باشند.

◆ شما یک شـعار شهرنفروشی داشتید که می‌گویید به آن پایبند بودید. سرنوشت این شعار شما در وضعیت امروز تهران چه شد؟ آیا من که شهروند تهران هستم، باید نگران این باشـم که دوباره قانون ضوابط دست‌وپا گیر نقلی و با همین توجیه شهر فروخته شود؟

نظریه‌ای که من اشـاره کردم در زمینه تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها و نظارت شـورای شـهر، منظور من دقیقا همین بود. این یک نگرانی اسـت که طرحلته به آن بی‌توجهی کنیم. باید تبدیل به مشخص و این خطر همواره وجود دارد. درواقع اگر آن نظارت وجود نداشـته باشد، احتمال این خطر همواره وجود دارد. طبیعتا یکی از اهداف تدوین دوره در شـهرداری این است که مشـخص کنیم درآمدهای سـالم و کجعراضه از کجا تامین شود و کجا هزینه شهر بعنی کجاها اولویت دارند که به آنها بودجه تحقق بکنیر. طبیعتـا اگر تعادلی بین درآمدها و هزینه‌ها باشد یا درآمدها به‌درستی مفاهیم‌طورکه پیش‌بینی شده تأمین شوند، نباید جای نگرانی وجود داشـته باشد ولی وقتی شما نگاه می‌کنید و می‌بینید در سال و تا انتهای ماه پانجم بخش کمی از بودجه تحقق پیدا کرده‌اند، این موضوع نگران‌کننده می‌شود. یعنی اگر شـما با همین آمکر حرکت کنید، به این معناسـت که در طول سال چیزی حدود ۵۷-۵۸ درصد بودجه تحقق پیدا می‌کند و چیزی نزدیک به ۴۲ درصد کسر بودجه خواهید داشت. در مقابل هزینه‌های اداره شهر مثل هزینه‌های نگهداری شـهر و تعهداتی که شـهرداری دارد، متوقف نمی‌شـوند و حتی در شرایط تورم افزایش می‌یابد. آن‌وقت شهرداری ممکن اسـت درکنار انجام دهد تا کسری بودجه را تامین کند. این نگرانی فقط دغدغه دوره تهران را یکبرنم و را حتود زیادی هم موفق شـدیم تا این آخرین دخایر سـیرا باقی‌مانده را که بسـیار در کیفیت هوای تهران نقش دارد، حفظ کنیم؛ حتی خنوافتی تصویب شـد که باید تکمیل می‌شـد. مثلا بحای یک کارپـری، اموظ مـوضوع ه کاربری پیش‌بینی شـده بود که اگر کسـی بخواهد یک زمین را خریداری می‌کند، مثلا می‌توانست آنجا را پرورش گل و گیاه کند. می‌توانست آنجا را خانه سـالمندان کند. می‌توانست آنجا را رستوران کند و همه مرتال تصویبی آن را هم در شـورای شـهر و هم در کمیسـیون ماده ۵ و شورای عالی شهرسـازی مصوب کـرده بودیم. طبیعتـا اگر مالکان این باغـات بخواهند حداکثر اسـتفاده را داشته باشـند، این یک طرف قضیه اسـت و همه قضیه نیسـت. طرف دیگر هم مسـئولیت با کسـانی اسـت که شـهر را اداره می‌کنند و آینده شهر را می‌بینند و وظیفه کنترل ضوابط را دارند و اگر ما این شـهر را برای زندگی‌کردن می‌خواهیم، باید به فکر کیفیت زندگی هم در آن باشیم. باغات و فضای سبز یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت زندگی در شهرها هستند و البته تفاوتی هم وجود دارد، مثلا بعضی از باغ‌های سـاکن‌ساخت ما کسـوتی هستند که می‌شوند ولی باغ‌های اعلام می‌شود باغ ایجا اینهـا حافظ قانونی بود که در تعریـف قانون حفظ اراضی زراعی و باغات وجود داشـت و آنها باید جواگوی این می‌شـدند تا جلوی فساد گرفته می‌شد. به‌صورت تعیین‌تکلیف این موارد در شورای شـهر و راهبردی شهر و سند تفصیلی آن مشخص می‌شود.

◆ آقای حناچی، فروش ساختمان‌های شهرداری بخشی از سیستم تأمین بودجه شهری است؟

فروش سـاختمان‌ها اگر مطابق بودجه باشـد، خیلی نباید نگران مسـئله بود. ولی اگر این فـروش خارج از بودجه و تصمیم فردی باشـد، نگران‌کننده اسـت. اختیارات شهردار محدود اسـت. مثلا مجوزهای در تهران برای اراضی که بالای ۵۰ میلیارد تومان ارزش داشـته باشد، باید از شورای شهر مجوز بگیرد؛ پس طبیعتا باید این رعایت صورت بگیرد.

◆ دراینداى این دوره مدیریت شـهری گفته شد که ما برای مبارزه با فساد آمدیم. در دوران مدیریت دوره گذشته شورای شهر و شهرداری، موضوع سامانه شفافیت مطرح شد و به نکته مدیران مطلع شما همه قراردادها روی این سامانه قرار می‌گرفت اما در این دوره به این سـامانه اقبالی نداده شد. ما در حوزه مدیریت شهری به چه چیز می‌کوبیم شفافیت؟

این موضوع یکی از وجوه امتیاز در دوره ما بود. شـورای شـهر بر این مسـئله اهتمام جدی داشت و ما هم خیلی تلاش کردیم که همه‌چیز شفاف باشد. و بسیار کار سـختی بود. در بیسـتمی که همین‌چیز آن شفاف نبود؛ شما بخواهید هر اقدامی که انجام دهید، شـفاف باشد. کار پیچیده‌ای است. ما روزهای اول پروژه‌هایی اگر می‌کردیم که بیشیم یک پیمانکار جقدر کار در سـطح شـهرداری تهران دارد و اگر پیمانکاری خارج از قاعده کار زیاد داشـت، معلوم می‌شـد که ممکن است عمل نکرده و شـورا می‌تواند نسـبت به آن مدعی باشـد. طبیعتا استفاده از این خرد جمعی در حوزه‌های مختلف تخصصی ممکن اسـت بـرای مجریان، کار را سـخت کند. ولی به‌هرحال ما نباید یادمان برود چه شعارهایی برای مردم دادیم و باید نسبت به آن شـعارها پایبند باشیم و باید تلاش کنیم که آن شعارها را تحقق ببخشیم.

اگر انضباط شـهری را جزء شـعارهایمان قرار دادیم. نباید اجازه دهیم که شهر یک اتفاقی افتاده باشـد و این سـند راهی را برای نظارت مشخص می‌کرد. یکی از افتخارات بزرگ دوره ما سـامانه شـفافیت بود و چالش‌های زیادی هم در این راه داشـتیم. برای اینکه چه اطلاعاتی را شـفاف اعلام کنیـم و چه چیزهایی را اعلام نکنیم. اعضای شـورا معتقد بودند همه‌چیز را باید روی سـامانه بگذاریم و ما هم تلاش داشـتیم آن چیزهایی که ایجاد انحراف می‌کرد و باعث خارج‌شدن از مسیر یک مجموعه می‌شد را در سامانه شفافیت داشته باشیم. من فکر می‌کنم قدم اول جلوگیری از فسـاد این اسـت که شما هموقت که اراده کردید، ببینید چه اتفاقی در شـهر دارد می‌افتد و بتوانید آن را شـفاف ببینید. از چنین سامانه‌ای در دسترس نباشد، نمی‌شود خلأ مبارزه با فساد داد و اساما فساد و شفافیت دو نقطه مقابل همدیگر هسـتند و دوم انتشـار تصمیمات مهم و تأثیرگذار مانند مصوبات ماده۵ موضوع قانون تأسـیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است که متوقف شده و باید بحث نگرانی است.

◆ مدیریت شـهری مانند تهران جنبه‌های مختلف دارد. گفتید در شعار و عملکرد شما جنبه اجتماعی رک‌وبوی قدرت داشت. سؤال اینجاست که من این است که چرا شما در رسیدگی به موضوعات قراردادهای اراضی تعداد به ذهنتان نرسید؟

اگر قرارداد به مسـئله مورد نظر نرسید این اسـت که ما در قرارداد اینچنین نداشتیم. قرارداد ما دل مردم بود. یعنی اگر ما دل مردم را برای انجام این ماموریت به دست بیاوریم، انکار محکم‌ترین محل قرار را هدف گرفته‌ایم و ما این کار را کردیم. همه همکاران ما اعتقادشان این بود که اگر ما بتوانیم با نگاه اجتماعی سـراغ مسائل و مشکلات شهر برویم، اساسا شـهر با هزینه بسیار کمتری اداره می‌شود و یکی از تلاش‌های ما نیز همین بود. ما مدعی هسـتیم که در این جلسه به نکات مهمی اشاره می‌شود. یعنی اگر شـما با همین آمکر حرکت کنید، به این معناسـت که در طول سال چیزی حدود ۵۷-۵۸ درصد بودجه تحقق پیدا می‌کند و چیزی نزدیک به ۴۲ درصد کسر بودجه خواهید داشت. در مقابل هزینه‌های اداره شهر مثل هزینه‌های نگهداری شـهر و تعهداتی که شـهرداری دارد، متوقف نمی‌شـوند و حتی در شرایط تورم افزایش می‌یابد. آن‌وقت شهرداری ممکن اسـت هزینه‌ها را جبران کند تا کسری بودجه را تامین کند. این نگرانی فقط دغدغه دوره تهران را یکبرنم و را حتود زیادی هم موفق شـدیم تا این آخرین دخایر سـیرا باقی‌مانده را که بسـیار در کیفیت هوای تهران نقش دارد، حفظ کنیم؛ حتی خنوافتی تصویب شـد که باید تکمیل می‌شـد. مثلا بحای یک کارپـری، اموظ مـوضوع ه کاربری پیش‌بینی شـده بود که اگر کسـی بخواهد یک زمین را خریداری می‌کند، مثلا می‌توانست آنجا را پرورش گل و گیاه کند. می‌توانست آنجا را خانه سـالمندان کند. می‌توانست آنجا را رستوران کند و همه مرتال تصویبی آن را هم در شـورای شـهر و هم در کمیسـیون ماده ۵ و شورای عالی شهرسـازی مصوب کـرده بودیم. طبیعتـا اگر مالکان این باغـات بخواهند حداکثر اسـتفاده را داشته باشند، این یک طرف قضیه اسـت و همه قضیه نیسـت. طرف دیگر هم مسـئولیت با کسـانی اسـت که شـهر را اداره می‌کنند و آینده شهر را می‌بینند و وظیفه کنترل ضوابط را دارند و اگر ما این شـهر را برای زندگی‌کردن می‌خواهیم، باید به فکر کیفیت زندگی هم در آن باشیم. باغات و فضای سبز یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت زندگی در شهرها هستند و البته تفاوتی هم وجود دارد، مثلا بعضی از باغ‌های سـاکن‌ساخت ما کسـوتی هستند که می‌شوند ولی باغ‌های اعلام می‌شود باغ ایجا اینهـا حافظ قانونی بود که در تعریـف قانون حفظ اراضی زراعی و باغات وجود داشـت و آنها باید جواگوی این می‌شـدند تا جلوی فساد گرفته می‌شد. به‌صورت تعیین‌تکلیف این موارد در شورای شـهر و راهبردی شهر و سند تفصیلی آن مشخص می‌شود.

◆ آقای حناچی، فروش ساختمان‌های شهرداری بخشی از سیستم تأمین بودجه شهری است؟

فروش سـاختمان‌ها اگر مطابق بودجه باشـد، خیلی نباید نگران مسـئله بود. ولی اگر این فـروش خارج از بودجه و تصمیم فردی باشـد، نگران‌کننده اسـت. اختیارات شهردار محدود اسـت. مثلا مجوزهای در تهران برای اراضی که بالای ۵۰ میلیارد تومان ارزش داشـته باشد، باید از شورای شهر مجوز بگیرد؛ پس طبیعتا باید این رعایت صورت بگیرد.

◆ دراینداى این دوره مدیریت شـهری گفته شد که ما برای مبارزه با فساد آمدیم. در دوران مدیریت دوره گذشته شورای شهر و شهرداری، موضوع سامانه شفافیت مطرح شد و به نکته مدیران مطلع شما همه قراردادها روی این سامانه قرار می‌گرفت اما در این دوره به این سـامانه اقبالی نداده شد. ما در حوزه مدیریت شهری به چه چیز می‌کوبیم شفافیت؟

این موضوع یکی از وجوه امتیاز در دوره ما بود. شـورای شـهر بر این مسـئله اهتمام جدی داشت و ما هم خیلی تلاش کردیم که همه‌چیز شفاف باشد. و بسیار کار سـختی بود. در بیسـتمی که همین‌چیز آن شفاف نبود؛ شما بخواهید هر اقدامی که انجام دهید، شـفاف باشد. کار پیچیده‌ای است. ما روزهای اول پروژه‌هایی اگر می‌کردیم که بیشیم یک پیمانکار جقدر کار در سـطح شـهرداری تهران دارد و اگر پیمانکاری خارج از قاعده کار زیاد داشـت، معلوم می‌شـد که ممکن است

● عکس: سینا نظر، شرق

محورها

- «تهران شهری برای همه» نقطه مقابل تهران شهری برای عده‌ای خاص بود
- ما در تهران مدیرانی داشتیم که می‌گفتند ما شهر را با ۲۵ سرمایه‌گذار اداره می‌کنیم
- اگر مدیری، هدفی را برای خودش تعریف نکرده باشد و نداند از کجا آمده و به کجا می‌رود شبیه آدمی است که دارد دور خودش می‌چرخد و انرژی و منابع را مصرف می‌کند ولی راه به جایی نمی‌برد
- مدیری که برای شهر آرزو نداشته باشد دچار روزمرگی شده و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به شهر وارد می‌کند
- نگرانی برای شهر یک نگرانی دائمی و همیشگی است و بیشتر ما که کارشناسان این حوزه هستیم و دوره‌ای مسئولیت داشتیم نسبت به شهرفروشی نگرانیم
- از دستگاه‌های نظارتی پذیرفته نیست آن‌طور که ما را نظارت می‌کردند دیگران را نظارت نکنند
- در یک سال ما به ۹۰۰ نامه از یک دستگاه نظارتی جواب دادیم
- کم‌هزینه‌ترین تخلفی که معمولا در کوتاه‌مدت خودش را نشان نمی‌دهد و در میان‌مدت و بلندمدت خودش را نشان می‌دهد، عدول از ضوابط شهرسازی است
- اگر ما این شهر را برای زندگی کردن می‌خواهیم باید به فکر کیفیت زندگی هم در آن باشیم
- من فکر می‌کنم قدم اول جلوگیری از فساد این است که شما هر وقت که اراده کردید ببینید چه اتفاقی در شهر دارد می‌افتد و بتوانید آن را شفاف ببینید
- اگر قرارگاه به معنی دورزدن قانون باشد، ما نیاز به قرارگاه این‌چنینی نداشتیم
- شهرداران باید چکمه‌ها و لباس کارشان همیشه در صندوق عقب ماشینشان باشد و برای شرایط بحرانی آمادگی داشته باشند
- اگر تعداد نیروهایی که از بیرون از بدنه شهری می‌آیند زیاد باشد، طبیعی است که بدنه احساس ناامیدی و یأس کند

عبد سال ۹۷ اقدام کرد که تنش بیجا به بدنه وارد نشود و شرایط سختی هم داشتیم. چون کرونا بود. ملاحظات کارشناسی نشان می‌داد که مناسبات را در شـهرداری داریم. در زمان شهرداری آقای الویری، شهرداری تهران ۲۲ هزار نفر پرسـنل داشت و تعداد پسـت‌های رسمی شهرداری تهران ۱۵ هزار و ۶۰۰ نفر بود و همین زمان هم می‌گفتند این تعداد پرسـنل برای شهرداری تهران زیاد است و با کمتر از این هم می‌شـود شهرداری را اداره کرد. وقتی ما شهرداری را تحویل گرفتیم بالای ۶۷ هزار نفر پرسـنل رسـمی و قراردادی شـهرداری بودند ولی به دلیل اخراج و سـبک‌کردن بدنه نرفتیم. چون در آن شرایط سـخت اقتصادی و کرونا این کار به صلاح نبود و ما تلاش کردیم از حداکثر این نیروها اسـتفاده کنیم ولی بدنه ما را سـبک‌تر از قبل نکردیم؛ یعنی وقتی می‌آمدیم این عدد به حدود ۵۷ هزار نفر کاهش پیدا کرده بود. این به این معنا نبود که ما کسی را اخراج کردیم ولی به آرزوی کسانی که از سیستم یا داوطلبانه یا بازنشسته شده بودند، آدم اضافه نکرده بودیم.

◆ یک خبری منتشر شد یکی از مدیران شهرداری در دوره ما آمده بودند، به نوبه اخراج شدند.

بله خیلی از آنها تمدید قرارداد نشدند. حتی اتبارکرانش!

◆ برای حل مسئله رایزنی نکردید؟

این یک قانون اسـت و اصلا نیاز به رایزنی ندارد. این قانون اسـت که اتبارکرانی که هر شـکلی با شـهرداری قرارداد دارند، باید خودکار تبدیل وضعیت قراردادشان صورت بگیرد. برای تعداد زیادی از پرسـنل شـهرداری این اتفاق افتاد ولی برای خیلی از مدیران هم این اتفاق نیفتاد.

◆ اگر بخواهید به شهردار فعلی تهران توصیه‌ای داشته باشید آن چیست؟

حرکسـی که مدیریت شـهر تهران را می‌پذیرد، باید به بدنه شهرداری اطمینان کند. بدنه شـهرداری مجموعه‌ای از نقاط مثبت و ضعف اسـت ولی مجبرتـرین مجموعه اسـت و سال‌ها طول کشیده تا این بدنه تجربه کسب کند. ممکن است به خیلی از آن هم انتقاد وارد باشـد ولی این در دسـترس‌ترین راه اسـت. چرخ را نباید اختراع کرد. ما باید کاری کنیم که چرخ روان‌تر حرکت کند و راندمانش بالا برود. اگر تعداد نیروهایی که از بیرون از بدنه شهری می‌آیند زیاد باشد، طبیعی است که بدنه احساس ناامیدی و یأس می‌کند. نیروها کسانی هستند که شـهرداری را یکپارچه می‌کنند. قانون شاید محدودیت‌هایی به دنبال داشته باشد اما باید بگذاریم عبدول و عبور از قانون زمینه‌سـازی گسـترش فسـاد شود و آخرینکه اتبال تعریف شـهرداران و آرزوی شـهر بهتر برای شهروندان باشـند. شـهری که شـهروند در آن احسـاس بهتری برای زندگی داشته باشد، آرزوی هر شهرداری خواهد بود.

خرید واگن‌ها و تجهیزات ثابت عمدتا توسـط دولت تامین می‌شد و این اتفاق باید به این شـکل پیگیری شـود. من این کار را به این راحتی محقق نمی‌دانم. کسـانی که زوایای این کار را کاملا نمی‌شناسـند، ممکن اسـت شـعار بدهند، ولی در عمل این اتفاق نمی‌افتد.

◆ شما قراردادی را با ایران‌خودرودیزل امضا کردید و بخشی از کمبود اتوبوس در تهران را توانسـتید تامین کنید و بخشـی از واگن‌های مورد نیاز مترو نیز تامین شد. همان سیر ایران‌خودرودیزل ادامه پیدا نکرد؟

قرارداد ایران‌خودرودیزل دو بخش داشـت که بخش دوم آن ادامه پیدا نکرد. سـیر ایران‌خودرودیزل ادامه پیدا نکرد. قرارداد ما یک بخش نقد و یک بخش غیرنقد داشـت و قرار بود آن بخش غیرنقد به شـکل املاک به ایران‌خودرو داده شـود. آن بخش غیرنقد را دوسـتان دوره جدید شـهرداری تهیه نکردند و این مدل آن را نمی‌دانم. شـاید مشـکلاتی در تأمین املاک برایشان به وجود آمد و نتوانستند مشکلات را حل کنند و به بخش غیرنقد آن عمل نشد. در مورد واگن‌ها هم ۶۳۰ دسـتگاه در دوره ما بیگیری شـد و به طرف جلو هم رسـید. اما غیر از تحریم، یک بحث دیگر هم وجود داشت و آن تأمین ۲۰ درصد مبلغ پیش‌پرداخت آن بود که اسـاما مبلغ سنگینی بود و از عهده شهرداری خارج بود و نمی‌توانستیم آن را تأمین کنیم؛ چون رقم اصلی رقم سـنگینی بـود و ۱۰ درصد آن هم خیلی رقم سـنگینی مـی‌شـد و تا آنجایی که مـن می‌دانم، این اتفاق هنـوز هم نیفتاده اسـت. به‌طور کلی تأمین واگن در شـرایط تحریم کار راحت و سـاده‌ای نیسـت و همین علـت بود که ما بـرای اداره مترو اقدام کردیم. قرارداد واگن ملی مجلد دانشـگاهی بود و تا حدود ۸۵ درصد این واگن‌ها قابل تولید بود و اسـاما تولید در داخل باید تحقق پیدا کند. اساسا حیات بدانید تولید در داخل از مترو شـهران واگن‌ساز و متروسـاز نبودند و با آغاز شـروع مترو تهران، چینی‌ها وارد این پروسـه شدند و اگر واگن‌های خیلی خوبی خیلی می‌سـازند و در این زمینه پیشـرفت کرده‌اند و ما هم به نظر می‌رسـد با دورنمایی که در کشور داریم و همه کلان‌شهرهایمان مترو دارند و با توجه به نیاز به واگن‌های شهری که در آینده داریم، باید به این سـمت حرکت کنیم. ما آن زمان قرارداد ۱۱۰ دسـتگاه را بسـتیم، یعنی موافقت اولیه را داشتیم و باید این مسیر را تعقیب کنیم که به نتیجه برسد و دولت هم باید در حـل‌ونقل عمومی به شـهرداری کمک کند؛ چون موضوعی که روزانه بخواهیم‌نقلیم نفر مسـتقیم با آن در ارتباط هسـتند، چیزی نیسـت که شـهرداری تهران به تنهایی بتواند آن را حل کند. امیدوارم من هم شـهر و هم اتوبوس، مسـیری تصمیم درسـت بگیرد.

◆ شما دو بحران داشتید؛ یکی سیل و دیگری برق بود.

به یک آتش‌سـوزی سـیمکس هم اشـاره می‌کنم که می‌گوید «خشـت اول کز نهـد معمار کج/ تا ثریا می‌رود دیوار کج». من باز هم تاکیدم به اعضای محترم شـورای شهر در همه شهرها و نه‌فقط تهران این اسـت که آن وظیفه نظارتی که بر عهده‌شـان است و آن رایی که مردم به واسـطه کسـانی که نظارت به آنها داده‌اند و انتظام ماموریت وجدان عمومی رعایت شود، شهرها کمتر آسـیب می‌بینند.

خلاصه‌اش این می‌شـود که مجموعه مدیریت شهری‌ای که آرزو نداشته باشد، از رعایت قانون صرف‌نظر کند، مدیریت شـهری را بر هایی برای رسیدن به اهداف دیگر ببیند و وظیفه نظارت در آن به خوبی انجام نشـود، دچـار همان کج‌بودن خشت اولی می‌شود که دیوارش ممکن اسـت تا ثریا کج بالا برود.

◆ به مسئله حل‌وفل شهری بپردازیم. در دوره ما شد چند ایستگاه افتتاح شد؟

۳۹ ایستگاه.

◆ یعنی تقریبا هر ماه یکی بیشتر از ایستگاه؛ درست است؟

بله.

◆ تکمیل و اتمام مترو تهران نیازمند هزینه است. شما هم گفتید در این بنج ماه بخش کمی از بودجه محقق شده است. مدیریت شهری فعلی تهران شعار می‌دهد که ما در چهار سـال آینده خطـوط مترو تهران را به اتمام می‌رسـانیم، آیا این موضوع با میزان درآمدی که از شهر محقق شده، امکان‌پذیر است؟

بگذارید یک خاطره برایتان تعریف کنم. در زمان پهلوی، وزیر مسـکن و سخنرانی به دانشـکده عزیزی ایما آمد و می‌گفت می‌خواهیم سالی یک میلیون واحد مسـکونی بسـازیم. درحالی‌که از زمان تکنولوژی ملال‌ان الون بود. مرحوم حسابی که مدرس دانشـکده فنی بود و مواد و مصالح درس می‌داد، دیپ جلو نشسـته بود و به وزیر مسـکن گفت تو یا تالا این خانه ساختنهای با بی‌دانی یک میلیون چقدر اسـت. همـه شـهرداری‌ها وقتا دوسـت دارند خطوط مترو تهران تکمیل شود. ولی واقعیت این اسـت که محصولا از سال ۹۷ به این طرف که در فضای شدید تحریمی رفتیم و توپم مسـئله بالا رفته، کار پیچیده‌ای است. ما روزهای اول پروژه‌هایی اگر می‌کردیم که بیشیم یک پیمانکار جقدر کار در سـطح شـهرداری تهران دارد و اگر پیمانکاری خارج از قاعده کار زیاد داشـت، معلوم می‌شـد که ممکن است

با همان نگاه اجتماعی اگر شـما بـه این قضیه نگاه کنید، کسـانی که دچار اعتیاد هسـتند، اگر در جایی باشند که اطمینان کنند، حضور پیدا می